

بررسی جایگاه و موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در تامین و ارتقاء امنیت ملی

دکتر مهدی مینایی

فارغ‌التحصیل رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده:

بنیان قلمروهای ژئواستراتژیک در دوران جنگ سرد که براساس توان نظامی، فضای جغرافیایی و گستره ایدئولوژیک بنا شده بود به دلایل فراوان از جمله هزینه بسیار بالای تسلیحات نظامی و پشتیبانی از کشورهای اقماری، ظهور انقلاب تکنولوژیک و گسترش ارتباطات، با فروریختن دیوار برلین از هم پاشید. در این بین با کاهش نقش مسائل نظامی و ایدئولوژیک، جناح بندی‌ها و رقابت‌هایی که بین دو ابرقدرت و هم پیمانان آن‌ها برپایه عامل نظامی تعریف و تفسیر می شد، سستی گرفت و عوامل: «انسانی و منابع اقتصادی» به عنوان شاخص «توسعه و قدرت برتر» معرفی گردید. هم اکنون مناطق استراتژیک جهان برپایه میزان تولید ناخالص ملی، منابع انسانی و منابع طبیعی، به ویژه منابع انرژی دسته بندی می شوند.

به طور مشخص ملاک قدرت در سده بیست و یکم، توانمندی‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی و کنترل نظام تولید، عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی است. و به همین لحاظ مناطق ژئواستراتژیک منطبق با مناطقی است که منابع سرشار طبیعی (به ویژه منابع انرژی) و نیز تولید ناخالص ملی چشمگیر دارند. بدین لحاظ منطقه خاور نزدیک بزرگ به طور اعم و حوزه‌های خلیج فارس و دریای خزر به طور اخص با در اختیار داشتن بیش از ۷۰ درصد منابع انرژی (نفت و گاز) جهان، نقش «ژئواکونومیک» ویژه‌ای در قرن ۲۱ بازی خواهد کرد.

براین اساس جمهوری اسلامی ایران که به عنوان یک کشور مهم از دید استراتژیک در دوران جنگ سرد مطرح بود، اکنون با عامل اقتصادی (ژئواکونومی) منطبق شده است و موقعیت منطقه‌ای آن در دوران جنگ سرد، به موقعیت ممتاز بین‌المللی در عرصه جهانی بدل گشته است. این موقعیت استثنایی، جایگزین ناپذیر بوده و نقش محوری در تدوین استراتژی‌های جهانی قدرت در سده حاضر خواهد شد.

به طوری که ایران با تسلط طبیعی بر تنگه هرمز و جزایر استراتژیک اطراف آن و همچنین هم مزر بودن با دومین منبع عمده نفت و گاز جهان در شمال، موجب می گردد جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از نقش آفرینان اصلی استقرار صلح و ثبات بین‌المللی در سده بیست و یکم باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز باید به تدوین یک «دستور کار ژئوپولیتیکی» پردازد که هم جوابگوی مشکلات و مطالبات منطقه‌ای و جهانی باشد و هم به نحو بسیار مطلوب، متضمن امنیت و منافع ملی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی گردد.

واژگان کلیدی: ژئواکونومی، ژئواستراتژی، امنیت ملی، خاور نزدیک بزرگ.

مقدمه

با تغییر و دگرگونی شاخص‌ها و اولویت‌ها در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، فرآیند انطباق بین قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک پدید آمد و در مباحث ژئواکونومیک، موضوع «ژئوپولیتیک نفت» و «امنیت استراتژیک منابع انرژی» به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین کننده در تعیین استراتژی های جهانی مطرح گردید.

بر همین اساس در آغاز سده بیست و یکم دو عامل عمده «منابع و ارتباطات» نقش اصلی را در شکل گیری مناطق ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک بازی می کنند. با افکندن نگاهی به نقشه پراکنش جغرافیایی منابع انرژی در می یابیم که بیش از ۷۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان در منطقه کوچکی از جهان یعنی در منطقه خلیج فارس تا حوزه دریای خزر نهفته است که دربر گیرنده قلمرو ژئواکونومیکی در حال پیدایش «خاور نزدیک بزرگ» می باشد و به همین دلیل این منطقه به عنوان «تکیه گاه سایر قلمروهای ژئواکونومیک» انتخاب گردیده است که در این «گرانیگاه استراتژیک جهان» کشور جمهوری اسلامی ایران نقش کلیدی و محوری دارد. (رحیم پور، ۱۳۸۱) روند کنونی تحولات نظام بین الملل، بیانگر این است که کشوری نقش هژمون جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد که به تواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان به ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد. به همین سبب در این قلمرو ژئواکونومیکی جدید «ایران نقش حیاتی» دارد. زیرا تنها کشوری است که برای انتقال انرژی از حوزه خزر به خلیج فارس و دریای عمان و آب های آزاد امکانات ویژه ای را دارد. همچنین ایران نقش بسیار مهم و محوری در ژئوپولیتیک دریای خزر و خلیج فارس ایفا می نماید، و این نقشی ذاتی و طبیعی می باشد، نه یک نقش تحمیلی و مقطعی.

از سوی دیگر خود کشور جمهوری اسلامی ایران به تنهایی با بیش از یکصد میلیارد بشکه ذخیر نفت اثبات شده جزو چهار کشور اول جهان است همچنین با ۸۰۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی اثبات شده، پس از روسیه مقام دوم را در اختیار دارد. به طوری که در منطقه خاورمیانه، سهم ایران از ذخایر گاز طبیعی منطقه ۵۸ درصد می باشد، این در حالی است که ایران با یک درصد جمعیت جهان، ۱۵ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. به همین دلیل امنیت شریان انرژی جهان در سده بیست و یکم به این مثلث ژئواستراتژیک (خزر - ایران - خلیج فارس) بستگی دارد که ایران در مرکز آن قرار گرفته است و نقش پل ارتباطی را به طور طبیعی ایفا می نماید، در چنین شرایطی ایالات متحده آمریکا نیز کنترل این منطقه را محور استراتژیک سیاست های کلان خود قرار داده است.

هم اکنون منطقه خاورمیانه یک منطقه ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی است که در تحولات آتی جهان نیز نقش محوری خود را به عنوان کانون استراتژیک جهان و «هارتلند جدید جهان» حفظ خواهد نمود.

۱- تحلیلی بر نقش ژئواستراتژیک کشور ایران:

در یک بررسی اجمالی بر حوزه‌های ژئوپولیتیکی پیرامونی ایران، به راحتی می‌توان به «جایگاه ژئواستراتژیک» این کشور پی برد. به طوری که موقعیت جغرافیایی بی‌همتای ایران میان خلیج فارس و دریای خزر، که به ایران امکان می‌دهد تا از راه اختصاص دادن بندری از بنادر فراوانش در خلیج فارس به هر یک از کشورهای محاصره شده در خشکی خزر - آسیای مرکزی برای استفاده اختصاصی و خودمختار آن‌ها در چهارچوب حاکمیت ملی و حکومت قوانین ایران، «ژرفای ژئوپولیتیک شمالی» خود را به «ژرفای ژئوپولیتیک جنوبی» ارتباط دهد؛ اقدامی که موقعیت ژئوپولیتیکی بی‌همتای ایران را به موقعیتی ژئواستراتژیک در صحنه نظام جهانی تبدیل خواهد نمود و این موقعیتی نیست که ایالات متحده و یا سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌توانند به آسانی و برای همیشه، از آن چشم‌پوشی نمایند.

۱-۱- حوزه جنوبی ژئوپولیتیک ایران

با توجه به نقش حیاتی انرژی صادراتی منطقه خلیج فارس در اقتصاد جهانی و همچنین نقش درآمدهای نفتی در زندگی اقتصادی ایران، امنیت خلیج فارس و ثبات بازار جهانی نفت از اولویت بالایی در سیاست خارجی ایران برخوردار است. به همین سبب بیشترین نقش آفرینی را دارد به طوری که مهم‌ترین منافع ما در خلیج فارس در سه زمینه زیر خلاصه می‌شود:

* بهره‌برداری از منابع آن یعنی نفت، گاز و منابع دریایی

* تضمین امنیت آبراه

* زندگی با همسایگان در صلح و آرامش

موقعیت ژئواستراتژیکی ایران، به هم پیوستگی فراگیری بین امنیت ایران و منطقه خلیج فارس بوجود آورده است.

ناگفته پیداست که بررسی امنیت از نگاه صرف نظامی نمی‌تواند با ابعاد فراوان مسئله امنیت در جهان امروز منطبق باشد. براین اساس برای تامین امنیت در منطقه خلیج فارس، ایران و سایر کشورهای منطقه ناگزیرند به گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و گره زدن منافع خود به یکدیگر، فضای لازم را برای دستیابی به «امنیت پایدار» در منطقه فراهم سازند. از نظر ما، رهیافت خردمندانه و مفید

آن است که امنیت در این منطقه به طور دسته جمعی و برای کلیه کشورها در چهارچوب مقررات و قوانین بین‌المللی تامین و تعریف گردد و از سیاست‌های انحصاری و سلطه‌طلبانه خودداری شود.

در صورت جامه عمل پوشیدن نظام امنیتی مبتنی بر «همکاری دسته جمعی» در سطح منطقه، منابع داخلی کشورها آزاد خواهد شد و در مسیر توسعه ملی به کار خواهد افتاد. ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی و همکاری منطقه‌ای، دسترسی به سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری خارجی را نیز تسهیل خواهد کرد.

برای درک آثار مخرب مسابقه تسلیحاتی در منطقه کافی است بدانیم که از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲، عربستان سعودی به میزان ۱۵۲/۵۲۲ میلیارد دلار قرارداد نظامی با کشورهای خارجی منعقد کرد. کویت حدود ۶۰ میلیارد و امارات نیز ۲۰/۲۷۵ میلیارد دلار صرف خریدهای نظامی کردند.

بررسی نتایج منازعات منطقه در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که چگونه قدرت‌های فرامنطقه‌ای از مظاهر قابل اغماض اختلافات در خلیج فارس بهره‌برداری سوء کردند با تحریک سیاست‌های داخلی و درون منطقه‌ای، انگیزه‌های غیرمنطقی را فعال نموده و نخبگان منطقه را به پذیرش سیاست‌های افراطی سوق دادند (مجتهدزاده ۱۳۸۲).

۱-۲- حوزه شمالی ژئوپولیتیک ایران

در ژرفای ژئوپولیتیک شمالی، ایران با عرصه پهناوری روبه روست که از قفقاز در باختر تا آسیای مرکزی در خاور گسترده است. دریای خزر دو پیکر جغرافیایی یادشده این عرصه پهناور را در آن واحد، از هم جدا و به یکدیگر مربوط می‌کند. به بیان دیگر، به دلیل نقش آفرینی منطقه‌ای ایران است که این کشور آمیخته‌ای از قفقاز، خزر و آسیای مرکزی را در چهارچوب منطقه «ژئوپولیتیک واحدی» می‌گنجانند. با در نظر گرفتن تمامی تعاریف مربوط به مفهوم منطقه، می‌توان ژرفای شمالی در منطقه خزر - آسیای مرکزی نام نهاد: تعریفی که شماری از عوامل جغرافیایی منطقه‌ای و محیط انسانی آن را تایید می‌کنند.

تمامی کشورهای جداشده از اتحاد شوروی پیشین در منطقه خزر - آسیای مرکزی کشورهای محاصره شده در خشکی هستند که از دسترسی مستقیم یا آسان به بازرگانی بین‌المللی دریایی بی‌بهره هستند. کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و یژه تشویق‌کننده بازرگانی دریایی میان پنج کشور کرانه‌ای یادشده است، اما چنین پیشرفتی نمی‌تواند مشکل عدم دسترسی مستقیم دریایی آنان را به بازارهای بین‌المللی حل کند. تنها راه حل عملی برای رفع این مشکل را می‌توان در ارتباط دادن این جمهوری‌ها و

افغانستان به خلیج فارس و دریای عمان از راه ایجاد شبکه‌های گوناگون راه شوسه، راه آهن و لوله‌های نفتی و گازی جست و جو کرد.

در دسامبر سال ۱۹۹۱، قزاقستان و ایران موافقت‌نامه‌ای را امضا کردند که طبق آن، جمهوری‌های آسیای مرکزی اعلام کرده اند که قصد دارند شبکه راه آهن خود را از خاک ایران به خلیج فارس امتداد دهند. موافقت نامه دیگری که در ماه ژوئن سال ۱۹۹۵ میان ایران، ترکمنستان و ارمنستان امضا شد، گسترش از راه‌های خشکی میان سه کشور را عملی می‌کند. در ماه مارس همین سال، ارتباط شبکه راه آهن آسیای مرکزی با شبکه راه آهن ایران را شاهد بودیم. این دو شبکه راه آهن در ماه مارس سال ۱۹۹۶ به هم متصل شدند. در مجموع، موقعیت جغرافیایی ایران به‌طور طبیعی به‌عنوان راه پل اصلی ارتباطی میان خزر - آسیای مرکزی و دنیای خارج می‌باشد. افزون بر این، می‌تواند راه ارتباطی مستقیمی بین خزر - آسیای مرکزی و کشورهای عرب تولید کننده نفت در خلیج فارس و دریای عمان باشد؛ زیرا، کشورهای عرب ممکن است به دلیل موقعیت ممتاز منطقه خزر - آسیای مرکزی در تجارت جهانی، در آینده تصمیم بگیرند منافع ملی خود را در این منطقه پیگیری کنند.

۲- بررسی موقعیت جمهوری اسلامی ایران بر اساس عوامل ژئواکونومیک:

با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ نظام دوقطبی حاکم بر جهان از میان رفت و اکنون نظام جدیدی در حال شکل‌گیری است. گروهی از پژوهشگران روابط بین‌المللی معتقدند که جهان در نظام جدید از نظر نظامی از حالت دوقطبی به یک قطبی با حاکمیت آمریکا تبدیل شده است. اما از نظر اقتصادی به سمت سه قطبی یعنی آمریکا، اروپا و ژاپن پیش می‌رود. برخی هم مانند هنری کیسینجر نظام در شرف تکنوین را مشابه سیستم کشورهای اروپایی در قرن ۱۸ و ۱۹ می‌دانند. به عقیده وی در نظام جدید حداقل ۶ مرکز عمده قدرت از قبیل آمریکا، اروپا، ژاپن، چین، روسیه و احتمالاً هندوستان خواهد داشت.

یکی از ویژگی‌های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت‌یابی اقتصاد در عرصه جهانی است.

در حال حاضر قدرت اقتصادی عاملی تعیین‌کننده برای ایفای نقش و جایگاه کشورها در نظام بین‌المللی است. زیرا مفهوم سنتی قدرت تا حدود زیادی تحت تاثیر مضمون جدید قدرت براساس توانایی‌های اقتصادی و تکنولوژیک قرار گرفته است. در این راستا مناطقی که از نظر انرژی غنی باشند، اهمیت می‌یابند. بنابر این در نظام جدید جهانی مناطق ژئواکونومیک از اهمیت زیادی برخوردار بودند. تئوریسین‌های آمریکایی به خوبی دریافته‌اند که در توازن میان قدرت‌های آینده جهان، برتری از آن قدرتی خواهد بود که بر مناطق ژئواکونومیکی

تسلط داشته باشد. از نظریه پردازان ژئواکونومیک می‌توان از ادوارد لاتواک و ژان شرایبر نام برد که اعتقاد دارند هر قدرتی که بر حوزه خلیج فارس تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود. (جعفری ولدان، ۱۳۸۱).

در این میان جمهوری اسلامی ایران با ۱۲۵۹ کیلومتر ساحل در خلیج فارس، بیش از ۴۵٪ از کل ساحل این آبراه بین‌المللی را در اختیار دارد و با برخورداری از حدود نیمی از جمعیت ۱۳۰ میلیون نفری کشورهای حوزه خلیج فارس، نقش بی‌همتا و در عین حال تعیین کننده‌ای در حوزه خلیج فارس و به واسطه ارتباط طبیعی با سواحل دریای خزر در «خاور نزدیک بزرگ» دارد.

* به‌طوری که در یک ارزیابی کلی براساس پارامترهای تعیین کننده ژئواکونومی کشور ایران را می‌توان برخوردار از ۴ عامل به شرح زیر دانست:

اولاً: این کشور نقش بی‌بدیلی را در پیوند دادن شرق و غرب و شمال و جنوب، بخش وسیعی از نیمکره شمالی این کره خاکی دارا می‌باشد. (موقعیت ممتاز ترانزیتی)

ثانیاً: در مرکز ثقل مناطق عمده تولید انرژی حال و آینده (حوزه خلیج فارس و حوزه دریای خزر) جهان قرار داشته، به‌طوری که ضمن برخورداری از منابع سرشار انرژی (ذخایر گاز: دومین کشور جهان و ذخایر نفت: چهارمین کشور جهان)، نقش یک «دالان انرژی» را برای قرن ۲۱ در جهت اتصال طبیعی دو حوزه (خلیج فارس و دریای خزر) برای اقتصاد جهانی ایفا خواهد نمود.

ثالثاً: در سطح منطقه خاورمیانه کشور ایران از نظر برخورداری از منابع آب دومین کشور پس از ترکیه می‌باشد، که این خود در منطقه خشکی که ما قرار گرفته‌ایم نقشی پر اهمیت و مؤثری را به لحاظ مسائل مربوط به «هیدروپولیتیک» برای کشور ما خواهد داشت، چنانکه «جویس استار» نویسنده مقاله «قرن ۲۱ - دوران جنگ آب» در نشریه سانیس مانیتور نیز اشاره می‌کند که کشورهای اتیوپی، ترکیه و ایران در قرن بیست و یکم فاقد بحران جدی آب هستند. وی در این مقاله، شرایط موجود در ایران را به‌عنوان «بحران پنهان آب» مورد بررسی قرار داده است که این بحران پنهان، تهدید بالقوه‌ای است که نه تنها ایران که هر کشور دیگری با شرایط ایران را به خود مشغول خواهد ساخت (نهبازی، ۱۳۷۸).

رابعاً: نهایتاً این که ما (ایران) در منطقه‌ای قرار گرفته‌ایم که از لحاظ منابع انرژی در یک حالت خاص و منحصر به فرد می‌باشد. و کشور ایران که ۸۰۰ کیلومتر ساحل در شمال (دریای خزر) و در جنوب ۱۶۰۰ کیلومتر بلافاصل در خلیج فارس و دریای عمان مرز دارد، فاقد جایگزین است به عبارتی دیگر کشور ایران در موازنه‌های «ژئواستراتژیک» جایگزینی ندارد.

همچنین در منطقه‌ای که در حال و آینده دارای شدیدترین بحران کم آبی است و از آن رنج می‌برد ما دومین کشور دارای منابع آب هستیم. پس بی تردید جایگاه کشور ایران در سطح جهانی و منطقه‌ای جایگاهی ممتاز خواهد بود، و به همین سبب بیشترین نقش آفرینی را در عصر ژئواکونومی در سطح بین‌المللی داشته و قابلیت ایفا و اجرای آن را دارا خواهد بود.

۳- روندهای نظام بین‌الملل و امنیت ملی ایران

ساختار نظام بین‌الملل از جمله عواملی است که همواره بر امنیت ملی تمامی کشورها، به ویژه کشورهای که از توانایی کافی برای شکل‌دهی و اثرگذاری به نظام بین‌الملل برخوردار نیستند، تاثیر درخور توجهی دارد. به همین علت، شناخت روندهای نظام بین‌الملل و تاثیر آن بر امنیت ملی کشورهایی همچون جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم است.

اما پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است تا مفهوم نظام بین‌المللی را روشن کنیم. به‌طوری کلی، نظام به مجموعه‌ای از متغیرها گفته می‌شود که در کنش و واکنش متقابل با یکدیگر به سر می‌برند. براساس این تعریف، نظام بین‌الملل مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی به‌عنوان بازیگر بین‌المللی را شامل می‌شود که بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و از هم تاثیر می‌پذیرند. این تعریف از نظام بین‌الملل به منزله نظام تک قطبی، دوقطبی یا چندقطبی یاد می‌شود، معنی و مفهوم آن این است که متغیرهای تاثیرگذار به قدرت‌های بزرگ محدود و قدرت‌های متوسط یا کشورهای کوچک بیشتر به منزله عوامل تاثیرپذیر شناخته می‌شود. تعریفی که در این مقاله نیز، مدنظر است.

براساس تعریف مزبور، در نظام بین‌الملل، ایران بیشتر یک عامل تاثیرپذیر است تا تاثیرگذار و بررسی تاریخی موضوع نیز این مطلب را تایید می‌کند.

همچنین آن چه مسلم است، این که امنیت ملی هر واحد سیاسی به شکل غیرقابل انکاری متأثر از مقتضیات ناشی از ماهیت کارکردی دو عنصر «زمان» و «مکان» در عرصه نظام بین‌الملل می‌باشد که به تبع آن در هر مقطعی از تاریخ، روابط بین‌الملل تولید خود را چه به لحاظ کمی و کیفی خواهد داشت و لاجرم همه دول ملی را به میزان متأثر خواهد نمود که تبلور عینی و ملموس آن همانا رخدادهای مهمی است که گاهی عرصه نظام بین‌الملل را دستخوش تغییرات اساسی می‌نماید. البته این چهارچوب کلی همواره نسبت به کشورهای مختلف جهان یکسان عمل نمی‌نماید، و این بیشتر به ویژگی‌های راهبردی کشورها در سطح

بین‌المللی بر می‌گردد. به‌عنوان مثال؛ طبق نظر «ریچارد لیتل» از آن‌جایی که روابط میان کشورهای جهان سوم عمدتاً نتیجهٔ توازن قوای «فراملی» است.

در نتیجه بی‌ثباتی‌های محیط امنیتی خارجی می‌تواند به سادگی به بی‌ثباتی‌های محیط امنیتی داخلی کمک نماید. به‌طوری که تاثیر انقلاب اسلامی ایران در وضعیت سیاست داخلی و خارجی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نمونه بارز چنین رابطه‌ای است.

گرچه باید این نکته را یادآور شد، که میزان اثرگذاری و اثرپذیری واحدهای ملی یکسان نبوده و از یک قاعده کاملاً مشخصی پیروی نمی‌نماید و همواره متغیرهای مهم دیگری نظیر وزن و «ارزش ژئوپولیتیکی»، همچنین وجود «کانون‌های فعال ایدئولوژیک» نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند.

به‌طوری که اگر این عوامل روی یک واحد سیاسی منطبق و متمرکز گردد، به‌طور حتم نقش آفرینی منحصر به فردی را برای آن دولت ملی به همراه خواهد داشت که در این ارتباط می‌توان کشور ایران و به ویژه پس از ظهور انقلاب اسلامی را از مصادیق روشن و بارز و حتی منحصر به فرد در دگرگونی و تحول محیط امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برشمرد. از طرفی با تمام تحولات انجام شده در امر تکنولوژی و ارتباطات، تجارب جنگ‌های گذشته این نکته را ثابت کرده که هرگاه کشوری دارای یک موقعیت «ژئواستراتژیک» باشد، هیچگاه نمی‌تواند خود را از تحولات جهانی دور نگه دارد یا به عبارت دیگر منزوی باشد، زیرا به ناچار بخشی از یک استراتژی نظامی خواهد بود؛ و باید سعی کند با درک موقعیت، به‌عنوان یک وزنه استراتژیک وارد عمل شود و با بهره‌گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعهٔ کشور و ملت خود گام بردارد (مینایی، ۱۳۸۲).

کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ موقعیت در جنوب غربی آسیا واقع شده و بخش وسیعی از فلات ایران را در بر می‌گیرد. موقعیت خاص ایران نیز که در مرکز ثقل یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های ارتباطی جهان قرار گرفته است، همچون پلی، اروپا را به آسیا و خاور دور وصل می‌کند. به‌طوری که از قدیم‌الایام چهارراه تمدن‌ها محسوب می‌شود و از نظر موقعیت دریایی و زمینی از موقعیت فوق‌العاده مناسبی برخوردار می‌باشد.

به‌طوری که ارزش «ژئوپولیتیکی» ایران به حدی است که هرگونه تغییری در حاکمیت آن می‌توانسته است موازنه منطقه‌ای و جهانی را بر هم زند. به همین سبب بازیگران اصلی «منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» همواره در ادوار مختلف تاریخی نقش تعیین‌کننده‌ای را در معادلات قدرت برای ایران قائل هستند. به‌طوری که یکی از دغدغه‌ها و معضلات محیط امنیتی خارجی ایران، دست‌اندازی‌های نهان و آشکار این بازیگران بوده است. (ادیبی، ۱۳۷۸).

پس می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که محیط امنیت خارجی ایران به‌طور ذاتی عرصه کشمکش‌های خاص عصر خود بوده است. همچنین در یک نگرش فضایی در سطح ماکرو، به راحتی می‌توان به نقش حیاتی و استراتژیک جغرافیایی ایران پی برد. در چنین شرایطی شاید نظر آقای «فون هاووزن» ژنرال ارتش اتریش که ایران را مرکز ژئوپولیتیک جهان لقب داده است، تبلوری عینی‌تر و ملموس پیدا می‌کند.

در نتیجه ایران یک کشور بین‌المللی است، چون جغرافیایی سیاسی آن به بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی مربوط می‌شود. پس باید پذیرفت که محیط امنیتی ما همواره متأثر از متغیرهایی است که در سیستم نظام بین‌المللی وارد می‌شود (سریع القلم، ۱۳۷۹).

از طرفی در یک نگرش سیستمی به این نتیجه می‌رسیم که متغیرهای محیطی، خود بر طبیعتی دگرگون استوارند، طبعاً ورودی‌های به سیستم نیز در نقش کارکردها و سیمای گوناگون چهره نمود و انطباق و هم‌سویی ساختار کلی حاکم بر سیستم را طلب می‌کنند. از این منظر، محیط امنیتی بین‌المللی اساساً، پدیده‌ای عصری است و با بروز و ظهور متغیرهای بی‌بدیل و پیچیده‌تر شدن عناصر متشکله و مشخصه هر زمان، باز تعریف شده و قرائتی جدید را طلب می‌کند.

بر این اساس «کشور جمهوری اسلامی ایران» به لحاظ جایگاه بی‌بدیل ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود، یکی از متغیرترین محیط‌های امنیتی را به ویژه در سطح منطقه‌ای دارا می‌باشد. به همین سبب «تبیین» و «تشریح» واقع‌بینانه و علمی ویژگی‌های جغرافیایی (طبیعی و انسانی) کشور و آگاهی و شناخت دقیق از «داده‌هایی» که وارد سیستم محیط پیرامونی ما می‌گردند، موجب می‌شود تا به این قابلیت و توانایی دست بیابیم، تا در مقابل تغییرات محیط امنیتی کشور، ضمن آمادگی مواجهه با آن‌ها، ابتکار عمل لازم را جهت تبدیل تهدیدات به فرصت و یا دست کم، تعدیل قابل توجه تهدیدات را در دست داشته باشیم (مینایی، ۱۳۸۲).

نتیجه‌گیری:

به‌طور کلی حوزه خلیج فارس در معادلات استراتژیک جایگزینی ندارد و علت تفاوت‌های آشکاری است که در شمال و جنوب آن دیده می‌شود. در خلیج فارس: ایران با داشتن بیشتر از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل مناسب عملیاتی و بنادر و لنگرگاه‌هایی با توان پذیرش ناوگان بزرگ، وضعی استثنایی دارد، چرا که سواحل جنوبی خلیج فارس را از این جهان با محدودیت بسیار روبرو هستند.

بنابراین تامین امنیت منطقه استراتژیک خلیج فارس از هر جهت تنها با مشارکت ایران خواهد بود.

قدرت‌های جهانی با توجه به همین واقعیت‌ها بود که پس از «انقلاب اسلامی» آشکارا این نکته را مطرح کردند که امنیت خلیج فارس باید به وسیله کشورهای «فرامنطقه‌ای» تامین شود، غافل از این که اگر عملیات نظامی صورت گیرد، موقعیت ایران به گونه‌ای است که می‌تواند به بهترین صورت دست به عملیات تاخیری بزند یا منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به اشکال مختلف به خطر اندازد.

واقعیت این است که ناامنی خلیج فارس نه به سود قدرت‌های بزرگ است و نه به سود کشورهای منطقه، از طرفی هیچ نوعی ترتیبات امنیتی که به‌تواند ضامن امنیت این گلوگاه مهم اقتصاد جهانی باشد، بدون ایران و یا به عبارتی بهتر بدون در نظر گرفتن نقشی موثر برای جمهوری اسلامی ایران محکوم به شکست است. بنابر این کشور جمهوری اسلامی ایران جایگاه بی‌بدیل در عرصه نوظهور ژئواکونومی جهانی پیدا نموده است. زیرا همان که قبلاً اشاره شد، هدف ژئواکونومی، برعکس ژئوپولیتیک، سیاسی نیست، بلکه تامین منافع ملی با استفاده از ابزارهای اقتصادی است. امروزه دولت‌ها، کارگزار و نماینده اقتصادی شرکت‌های بزرگ کشورشان هستند و همواره تلاش دارند با بهره‌گیری از موقعیت و توان سیاسی خود، موجبات تسهیل ارتباطات و تبدلات اقتصادی در اختیار کشورهای عرضه کننده است، دولت‌ها نقش واسطه را میان شرکت‌ها و صاحبان ثروت (متقاضیان) بازی می‌کنند و علمی که این سه شاخص را به یکدیگر ارتباط می‌دهد، ژئواکونومی است، که می‌خواهد با بازو و توان دولت‌ها میان ملت‌ها و صاحبان منابع ارتباطات معلوم و منطقی فراهم آورد و بدین سان در سراسر جهان قلمروهای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بر هم منطبق شده‌اند و علت این انطباق قدرت مانوری است که در موقع بحران می‌توانند از خود نشان دهند. (عزتی، ۱۳۸۱)

جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسایه می‌تواند موجبات توسعه پایدار و نهادینه شدن روابط اقتصادی کشورهای منطقه را فراهم آورد. که نتیجه این امر پیوستگی امنیتی کشورهای منطقه و کشور ما خواهد بود که به تدریج ارتقا و پایداری امنیت ملی را نیز برای ما به همراه خواهد داشت.

در همین ارتباط در مقام ارائه راهکار و پیشنهاد که به‌تواند «استنتاج» حاصل از این تحقیق عملیاتی

گردد می‌توان به مواردی چون:

- ۱- تسهیل در امر سرمایه‌گذاری (خاصه برای سرمایه‌گذاران خارجی) در مناطق آزاد تجاری و صنعتی کشور.
- ۲- ایجاد مکانیزم‌هایی در جهت تکمیل حلقه‌های مربوط به صنعت نفت و تجارت نفت در منطقه (برای کشورهای حوزه خزر و خلیج فارس).
- ۳- تجهیز و بازسازی کامل (کریدورهای ترانزیتی) شمال و جنوب و شرق و غرب، جهت تقویت فعالیت‌های ترانزیتی (کالا و مسافر).

- ۴- ایجاد زمینه‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری‌های مشترک در مناطق مرزی با کشورهای همجوار.
- ۵- اصلاحات کیفی در صنعت (بیمه، امور بانکی و امور گمرکی).
- ۶- ایجاد زمینه‌های لازم جهت فراگیر نمودن «تجارت الکترونیک» در بخش بازرگانی خارجی.
- ۷- تحول جدی در نگرش به مقوله گردشگری و ارتقاء بسترهای مرتبط با آن.

منابع:

- ۱- ادیبی، مهدی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۶-۱۴۵ - ص ۶۰.
- ۲- جعفری و لدان، اصغر، ژئوپولیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، تهران.
- ۳- رحیم پور، علی «تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۴-۱۸۳، ص ۵۸-۵۶.
- ۴- سریع القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۳.
- ۵- عزتی، عزت اله، ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران ۱۳۸۰، ص ۱۱۲.
- ۶- مینایی، مهدی، محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۸۲، شماره ششم، ص ۱۰۵-۱۰۴.
- ۷- مینایی، مهدی، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۸۱، ص ۲۰۴-۲۰۳.
- ۸- مجتهدزاده، پیروز، «امنیت آسیای باختری، شکل‌گیری طرح‌های نوین آمریکایی»، مجله نظامی - راهبردی نگاه، شماره ۳۹، مهرماه ۱۳۸۲.
- ۹- نهازی، غلامحسین، بحران آب در خاورمیانه، انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک، خاورمیانه، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۰-۹.